

کلمه

بیانیه‌ی خدمات لیگونیر
در مورد آموزه‌ی مسیح‌شناسی
(شخص و کار مسیح)

جسم

گردید

کلمه جسم گردید

بیانیه‌ی خدمات لیگونیر
در مورد آموزه‌ی مسیح‌شناسی
(شخص و کار مسیح)

کلمه جسم گردید: بیانیه‌ی خدمات لیگونیر در مورد آموزه‌ی
مسیح‌شناسی (شخص و کار مسیح)
© ۲۰۲۰ خدمات لیگونیر
ویرایش دوم
ناشر: خدمات لیگونیر

Ligonier Ministries
421 Ligonier Court, Sanford, FL 32771
Ligonier.org | ChristologyStatement.com

ارجاعات کتاب مقدس از ترجمه‌ی قدیم گرفته شده است.
حق چاپ محفوظ می‌باشد.

عیسای

مسیح کیست؟ تقریباً هر فرد بزرگسال نظری در مورد مسیح دارد. شاید این

نظرات سطحی، از روی کم‌اطلاعی، یا بدعتی محض باشد. «حقیقت» درباره‌ی عیسی مهم است، نه نظرات صرف و این موضوع اهمیتی ابدی دارد.

کسانی که نام مسیحی را بر خود دارند، مدعی‌اند مانند شاگردان، مسیح را پیروی می‌کنند. آنها آموزه‌ی مسیح‌شناسی را حفظ می‌کنند که بازتاب دیدگاه آنها نسبت به مسیح است. مسیح‌شناسی می‌تواند به طور ضمنی یا صریح بیان شود. می‌تواند نمایانگر عمق مکاشفات کتاب مقدس و تامل تاریخی مسیحیان بر آن باشد و یا می‌تواند صرفاً داستان و جدا از کلام خداوند باشد. اما هیچ مسیحی معترفی، فاقد مسیح‌شناسی نیست.

امروزه، معمولاً این اعتقادنامه‌ها یا نادیده گرفته می‌شوند و یا درست درک نمی‌شوند، و منجر به سردرگمی گسترده‌ای نسبت به شخص و کار مسیح می‌شود. بیانیه‌ی خدمات لیگونیر در مورد آموزه‌ی مسیح‌شناسی، در پی آن است تا برای جلال مسیح و تعلیم قوم او، مسیح‌شناسی کتاب مقدسی، تاریخی و راستین کلیسای مسیحی را به شکلی ساده برای اعتراف، مفید

برای کمک به تعلیم ایمان پایدار کلیسا، و نیز به عنوان اعتقادنامه‌ای مشترک برای ایمانداران کلیساهای مختلف که بتوانند حول آن برای خدمت به مسیح گرد بیایند، ارائه کند. این بیانیه جایگزینی برای اعتقادنامه‌ها و اعتراف‌نامه‌های تاریخی کلیسا نیست، بلکه ضمیمه‌ای است که مجموع تعالیم آنان درباره‌ی اینکه مسیح کیست و چه کرد را بیان می‌کند. باشد که مسیح این بیانیه را برای ملکوت خود به کار ببرد.

در نام پسر مجسم خدا، نبی، کاهن و پادشاه ما.

آر. سی. اسپرول

بهار ۲۰۱۶

ما معترفیم به این سرّ و اعجاز
جسم پوشیدن خدا
و در نجات عظیم خود وجد می‌کنیم
به وساطت عیسی‌ای مسیح، خداوندمان.

پسر، به همراه پدر و روح‌القدس
همه‌چیز را آفرید
همه‌چیز را حفظ کرده
و همه‌چیز را تازه می‌سازد.
خدای حقیقی،
حقیقتاً انسان شد
دو ذات در یک شخص.

او از مریم باکره متولد شد
و در میان ما زندگی کرد.
مصلوب شد، مُرد، و مدفون گردید،
در روز سوم زنده شد،
به آسمان صعود نمود
و در جلال و داوری

دوباره بازخواهد گشت.

او شریعت را

برای ما نگاه داشت،
برای گناه کفاره کرد،
و غضب خدا را فرو نشاند.
او جامه‌ی ملوث ما را گرفت
و به ما
ردای عدالت خود را بخشید.

او نبی، کاهن، و پادشاه ما است،
کلیسای خود را بنا نموده،
برای ما شفاعت،
و بر همه چیز سلطنت می‌کند.
عیسای مسیح، خداوند است؛
ما نام قدوس او را تا ابد می‌ستاییم.

آمین.

تصدیق‌ها و انکارها

با گواهی کلام خدا

بند اول

ما تصدیق می‌کنیم که عیسی‌ای مسیح، تجسم پسر ابدی خدا، شخص دوم تثلیث مقدس، در تاریخ است. او مسیح است، آن ماشیح که خدا وعده داده بود.^۱ ما انکار می‌کنیم که عیسی‌ای مسیح صرفاً یک انسان و یا افسانه‌ای پرداخته‌ی کلیسای اولیه بوده باشد.

بند دوم

ما تصدیق می‌کنیم که در وحدت الوهیت (*homoousios*)، پسر ازلی با پدر و روح‌القدس، هم ذات، از هر نظر همانند، و ابدی است.^۲ ما انکار می‌کنیم که پسر صرفاً شبیه پدر است (*homoiousios*) و یا اینکه پدر او را صرفاً به عنوان پسرش پذیرفت. ما این که در ماهیت تثلیث پسر همواره فرومایه و تابع پدر بوده را انکار می‌کنیم.

^۱ در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود... و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پُر از فیض و راستی؛ و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته‌ی پسر یگانه‌ی پدر. یوحنا (۱۴:۱۰). همچنین نگاه کنید به، مزمو ۱۱۰؛ متی ۳:۱۷؛ ۸:۲۹؛ ۱۶:۱۶؛ مرقس ۱، ۱۱:۱۵؛ ۳۹:۱۵؛ لوقا ۲۲:۷۰؛ یوحنا ۴:۲۵-۲۶؛ اعمال رسولان ۵:۴۲؛ ۹:۲۲؛ غلاطیان ۴:۴؛ فیلیپیان ۲:۶؛ کولسیان ۲:۹؛ عبرانیان ۷:۵؛ اول یوحنا ۵:۲۰.

^۲ پس رفته، همه‌ی اُمّت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح‌القدس تعمید دهید. همچنین نگاه کنید به، یوحنا ۱:۱۸؛ ۳:۱۶؛ ۱۰:۳۰؛ ۲۰:۲۸؛ کولسیان ۱۳:۱۴؛ افسسیان ۲:۱۸.

بند سوم

ما به همراه اعتقادنامه‌های نیقیه و کالسدون تصدیق می‌کنیم که عیسیای مسیح هم کاملاً خدا و هم کاملاً انسان است، دو ذات پیوسته در یک شخص برای ابد.^۳ ما انکار می‌کنیم که پسر مخلوق است. ما انکار می‌کنیم که هرگز زمانی وجود داشته که پسر خدا نبوده باشد. ما این که بدن و روح انسانی عیسی پیش از تجسم او در تاریخ وجود داشته را انکار می‌کنیم.

بند چهارم

ما اتحاد دو ذات متمایز مسیح را تصدیق می‌کنیم. اینکه دو ذات مسیح در شخص او با هم متحد می‌شوند بدون آنکه ترکیب، مخدوش، تفکیک و یا جدا شوند.^۴ ما انکار می‌کنیم که برای درک و تشخیص این دو ذات نیازی به جدایی و انفصال آنها باشد.

^۳ که در وی از جهت جسم، تمامی پری الوهیت ساکن است. (کلوسیان ۹:۲) هم‌چنین این آیات را ببینید، لوقا ۱:۳۵؛ یوحنا ۱:۱۰؛ رومیان ۵:۹؛ اول تیموتائوس ۱۶:۳؛ اول پطرس ۱۸:۳.

^۴ شمعون پطرس در جواب گفت که، تویی مسیح، پسر خدای زنده، عیسی در جواب وی گفت، خوشبحال تو ای شمعون بن یونا! زیرا جسم و خون این را بر تو کشف نکرده، بلکه پدر من که در آسمان است. (متی ۱۶:۱۶-۱۷) هم‌چنین این آیات را ببینید، لوقا ۱:۳۵؛ یوحنا ۱:۱-۳؛ ۵:۱۷؛ اعمال رسولان ۲۰:۲۸؛ رومیان ۳:۱؛ ۵:۹؛ دوم قرنتیان ۸:۹؛ اول تیموتائوس ۱۶:۳؛ اول پطرس ۱۸:۳؛ مکاشفه ۱:۸، ۱۷؛ ۱۳:۲۲.

بند پنجم

ما تصدیق می‌کنیم که در تجسم عیسای مسیح، ذات الاهی و انسانی او صفات خود را حفظ کرده‌اند. ما تصدیق می‌کنیم که صفات هر دو ذات متعلق به یک شخص یعنی عیسای مسیح است.^۵

ما انکار می‌کنیم که ذات انسانی عیسای مسیح دارای صفات الاهی است یا اینکه می‌تواند دارای ذات الاهی باشد. اینکه ذات الاهی مسیح صفات الاهی را به ذات انسانی او انتقال داد انکار می‌کنیم. ما اینکه عیسای مسیح در تجسم خود از صفات الاهی خویش دست کشید، یا آنها را کنار گذاشت انکار می‌کنیم.

^۵ پس همین فکر در شما باشد که در مسیح عیسی نیز بود، که چون در صورت خدا بود، با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد، لیکن خود را خالی کرده، صورت غلام را پذیرفت و در شباهت مردمان شد؛ و چون در شکل انسان یافت شد، خویشتن را فروتن ساخت و تا به موت بلکه تا به موت صلیب مطیع گردید. (فیلیپیان ۲: ۵-۸) هم‌چنین این آیات را ببینید، متی ۱۰: ۹؛ ۱۶: ۱۶؛ ۲۸: ۱۹؛ یوحنا ۱: ۱؛ ۱۱: ۲۷، ۳۵؛ ۲۸: ۲۰؛ رومیان ۱: ۳-۴؛ ۵: ۹؛ افسسیان ۱: ۲۰-۲۲؛ کولسیان ۱: ۱۶-۱۷؛ ۲: ۹-۱۰؛ اول تیموتائوس ۳: ۱۶؛ عبرانیان ۳: ۱-۹؛ اول پطرس ۳: ۱۸؛ دوم پطرس ۱: ۱.

ما تصدیق می‌کنیم که عیسای مسیح صورت مرئی خدا است، او معیار انسانیت حقیقی است و ما در رستگاری خود نهایتاً به شباهت او در خواهیم آمد.^۱

ما انکار می‌کنیم که عیسای مسیح یک انسان حقیقی نبود، اینکه او صرفاً انسان به نظر آمد، یا اینکه مسیح فاقد یک روح انسانی محسوس بود. ما انکار می‌کنیم که در اتحاد دو ذات پسر، او دارای شخصیت انسانی بود و نه ذات انسانی.

^۱ و او صورت خدای نادیده است، نخست‌زاده تمامی آفریدگان. زیرا که در او همه چیز آفریده شد، آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است از چیزهای دیدنی و نادیدنی و تختها و سلطنتها و ریاسات و قوأت؛ همه به وسیله‌ی او و برای او آفریده شد. (کلوسیان ۱: ۱۵-۱۶) هم‌چنین این آیات را ببینید، رومیان ۸: ۲۹؛ دوم قرنتیان ۴: ۴-۶؛ افسسیان ۲: ۴-۲۰؛ عبرانیان ۱: ۳-۴.

بند هفتم

ما تصدیق می‌کنیم که عیسای مسیح به عنوان یک انسان حقیقی، در وضعیت محقر انسانی خود از همه‌ی محدودیت‌های انسانی و ضعف‌های معمول بشری برخوردار بود. ما تصدیق می‌کنیم که عیسای مسیح در انسانیت خود کاملاً شبیه ما، اما عاری از هر گناه بود.^۷

ما انکار می‌کنیم که عیسای مسیح گناهی مرتکب شد. اینکه عیسای مسیح حقیقتاً رنج نکشید، وسوسه نشد و مشقت ندید را انکار می‌کنیم. ما این که انسانیت حقیقی مسیح وارث گناه بود و یا اینکه بی‌گناهی عیسی با انسان حقیقی بودن او در تناقض بود را انکار می‌کنیم.

^۷ از این جهت می‌بایست در هر امری مشابه برادران خود شود، تا در امور خدا رییس گنه‌ای کریم و امین شده، کفاره گناهان قوم را بکنند. زیرا که چون خود عذاب کشیده، تجربه دید، استطاعت دارد که تجربه‌شدگان را اعانت فرماید (عبرانیان ۲: ۱۷-۱۸) هم‌چنین این آیات را ببینید، میکاه ۴: ۵؛ لوقا ۲: ۵۲؛ رومیان ۸: ۳؛ غلاطیان ۴: ۴؛ فیلیپیان ۲: ۵-۸؛ عبرانیان ۷: ۱۵.

ما تصدیق می‌کنیم که عیسای مسیح تاریخی، با قدرت روح‌القدس، با معجزه در رحم مریم باکره قرار گرفته و متولد شد. ما همراه با اعتقادنامه‌ی کالسدون تصدیق می‌کنیم که مریم به درستی مادر خداوند خوانده شد (*theotokos*)، زیرا کودکی که او به دنیا آورد پسر مجسم خدا، شخص دوم تثلیث است.^۱

ما انکار می‌کنیم که عیسای مسیح ذات الاهی و یا بی‌گناهی خود را از مریم دریافت کرده باشد.

^۱ و در ماه ششم، جبرائیل فرشته از جانب خدا به بلدی از جلیل که ناصره نام داشت، فرستاده شد؛ نزد باکره‌ای نامزد مردی مُسمّا به یوسف از خاندان داوود، و نام آن باکره مریم بود (لوقا ۱: ۲۶-۲۷) هم‌چنین این آیات را ببینید، متی ۱: ۲۳؛ ۱۱: ۲؛ لوقا ۱: ۳۱، ۳۵، ۴۳؛ رومیان ۳: ۱؛ غلاطیان ۴: ۴.

بند نهم

ما تصدیق می‌کنیم که عیسیای مسیح انسان آخر است که بر هر آنچه برایش مقرر گشت غالب آمد که آدم اول در آنها ناتوان بود. و اینکه عیسیای مسیح سر قوم خود یعنی بدن مسیح است.^۹

ما انکار می‌کنیم که عیسیای مسیح ذات سقوط کرده‌ی انسانی داشت و یا گناه اولیه را به ارث برده بود.

^۹ لِهَذَا هَمچنان که به وساطت یک آدم گناه داخل جهان گردید و به گناه موت؛ و به این‌گونه موت بر همهٔ مردم طاری گشت، از آنجا که همه گناه کردند. زیرا قبل از شریعت، گناه در جهان می‌بود، لکن گناه محسوب نمی‌شود در جایی که شریعت نیست. بلکه از آدم تا موسی موت تسلط می‌داشت بر آنانی نیز که بر مثال تجاوز آدم که نمونهٔ آن آینده است، گناه نکرده بودند. و نه چنان که خطا بود، همچنان نعمت نیز باشد. زیرا اگر به خطای یک شخص بسیاری مردند، چقدر زیاده فیض خدا و آن بخششی که به فیض یک انسان؛ یعنی عیسی مسیح است، برای بسیاری افزون گردید. و نه اینکه مثل آنچه از یک گناهکار سر زد، همچنان بخشش باشد؛ زیرا حکم شد از یک برای قصاص، لکن نعمت از خطایای بسیار برای عدالت رسید. زیرا اگر به سبب خطای یک نفر و به واسطهٔ آن یک موت سلطنت کرد، چقدر بیشتر آنانی که افزونی فیض و بخشش عدالت را می‌پذیرند، در حیات سلطنت خواهند کرد به وسیلهٔ یک؛ یعنی عیسی مسیح. پس همچنان که به یک خطا حکم شد بر جمیع مردمان برای قصاص، هم‌چنین به یک عمل صالح بخشش شد بر جمیع مردمان برای عدالت حیات. زیرا به همین قسمی که از نافرمانی یک شخص بسیاری گناهکار شدند، هم‌چنین نیز به اطاعت یک شخص بسیاری عادل خواهند گردید. اما شریعت در میان آمد تا خطا زیاده شود. لکن جایی که گناه زیاده گشت، فیض بی‌نهایت افزون گردید. تا آنکه چنان که گناه در موت سلطنت کرد، هم‌چنین فیض نیز سلطنت نماید به عدالت برای حیات جاودانی، به وساطت خداوند ما عیسی مسیح (رومیان ۵: ۱۲-۲۱). هم‌چنین این آیات را ببینید، اول قرن‌تین ۱۵: ۲۲، ۴۵-۴۹؛ افسسیان ۲: ۱۴-۱۶؛ ۲۳: ۵؛ کلوسیان ۱: ۱۸.

ما تصدیق می‌کنیم که عیسای مسیح با اطاعت و زندگی کامل خود، عدالتی را که خواسته‌ی احکام خداوند بود به جای ما به طور کامل به انجام رساند و با مرگ خود بر صلیب متحمل جریمه‌ی گناهان ما گشت.^{۱۰}

ما انکار می‌کنیم که عیسای مسیح حتی در یک قسمت، در اطاعت و انجام قوانین خداوند ناتوان بوده باشد. ما انکار می‌کنیم که او قوانین الهی را منسوخ کرده است.

^{۱۰} زیرا به همین قسمی که از نافرمانی یک شخص بسیاری گناهکار شدند، هم‌چنین نیز به اطاعت یک شخص بسیاری عادل خواهند گردید (رومیان ۱۹:۵). هم‌چنین این آیات را ببینید، متی ۱۵:۳؛ یوحنا ۸:۲۹؛ دوم قرنتیان ۲۱:۵؛ فیلیپیان ۸:۲؛ عبرانیان ۸:۵.

بند یازدهم

ما تصدیق می‌کنیم که عیسیای مسیح خود را به جانشینی برای مجازات به عنوان کفارهی گناهان قوم خود به صلیب سپرد. غضب خدا را فرو نشاند و عدالت خداوند را به انجام رساند. او بر گناه، مرگ و شیطان پیروز گشت.^{۱۱}

ما انکار می‌کنیم که مرگ عیسیای مسیح بها و فدیة برای شیطان بوده است. اینکه مرگ عیسیای مسیح یک نمونه‌ی صرف، یک پیروزی صرف بر شیطان، و یا صرفاً نشان‌دهنده‌ی اخلاقیات الهی بوده را انکار می‌کنیم.

^{۱۱} که خدا او را از قبل معین کرد تا کفارہ باشد به واسطه‌ی ایمان به وسیله‌ی خون او، تا آنکه عدالت خود را ظاهر سازد، به سبب فرو گذاشتن خطایای سابق در حین تحمل خدا، برای اظهار عدالت خود در زمان حاضر، تا او عادل شود، و عادل شمارد هر کسی را که به عیسی ایمان آورد (رومیان ۲:۲۵-۲۶). هم‌چنین این آیات را ببینید، اشعیا ۵۳:۵؛ رومیان ۵:۶، ۸، ۱۵:۶-۱۰؛ ۴:۷؛ ۸:۳۴؛ ۹:۱۴؛ ۱۵؛ اول قرنتیان ۳:۱۵؛ افسسیان ۲:۵؛ اول تسالونیکیان ۱۰:۵؛ دوم تیموتائوس ۲:۱۱؛ عبرانیان ۲:۱۴؛ ۱۷؛ ۹:۱۴-۱۵؛ ۱۰:۱۴؛ اول پطرس ۲:۲۴؛ ۱۸:۳؛ اول یوحنا ۲:۲؛ ۳:۸؛ ۴:۱۰.

ما آموزه‌ی عادل‌شمردگی را، اینکه گناه ما بر مسیح قرار
گرفت و عدالت او با ایمان به حساب ما گذاشته
شد، تصدیق می‌کنیم.^{۱۲}
ما انکار می‌کنیم که گناه بدون داوری نادیده گرفته
می‌شود. اینکه اطاعت مسیح به حساب ما گذاشته
نشده را انکار می‌کنیم.

^{۱۲} زیرا او را که گناه نشناخت، در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت
خدا شویم (دوم قرنتیان ۵:۲۱). همچنین این آیات را ببینید، متی ۵:۲۰؛
رومیان ۳:۲۱-۲۲؛ ۴:۱۱؛ ۵:۱۸؛ اول قرنتیان ۱:۳۰؛ دوم قرنتیان ۹:۹؛ افسسیان
۶:۱۴؛ فیلیپیان ۱:۱۱؛ ۳:۹؛ عبرانیان ۱۲:۲۳.

بند سیزدهم

ما تصدیق می‌کنیم که عیسیای مسیح در روز سوم از مرگ
قیام کرد و اینکه او در جسم انسانی توسط بسیاری
دیده شد.^{۱۳}

ما انکار می‌کنیم که صرفاً به نظر آمد که عیسیای مسیح
مرده است و یا اینکه بعد از مرگ فقط روح او باقی
ماند و یا اینکه قیام او از مرگ صرفاً در قلب پیروانش
رخ داد.

^{۱۳} زیرا که اول به شما سپردم آنچه نیز یافتیم، که مسیح بر حسب کتب
در راه گناهان ما مرد، و اینکه مدفون شد و در روز سوم بر حسب کتب
برخاست؛ و اینکه به کیفا ظاهر شد، و بعد از آن به آن دوازده (اول قرن‌تیان
۱۵-۳:۵). هم‌چنین این آیات را ببینید، اشعیا ۵۳؛ متی ۱۶:۲۱؛ ۲۶:۳۲؛ ۲۸:۱-
۱۰؛ یوحنا ۲۱:۱۴؛ اعمال رسولان ۱:۹-۱۱؛ ۲:۲۵، ۳:۳۲، ۱۵:۳؛ ۲۶؛ ۴:۱۰؛ ۵:۳۰؛
۱۰:۴۰؛ رومیان ۴:۲۴-۲۵؛ ۶:۹-۱۰؛ افسسیان ۴:۸-۱۰.

ما تصدیق می‌کنیم که عیسیای مسیح در قیام پر جلال
خود، نوبر قیام کردگان است، اینکه او بر هر دو،
گناه و مرگ غالب آمده و در اتحاد با او ما نیز قیام
خواهیم کرد.^{۱۴}

ما انکار می‌کنیم که بدن جلال‌یافته و قیام کرده‌ی عیسیای
مسیح از مرگ کاملاً با بدنی که در آن باغ در قبر
گذاشته شد متفاوت بود. اینکه رستاخیز ما صرفاً قیام
روح ما و جدا از جسم خواهد بود را انکار می‌کنیم.

^{۱۴} لیکن بالفعل مسیح از مردگان برخاسته و نوبر خوابیدگان شده است...
ای موت نیش تو کجا است و ای گور ظفر تو کجا؟ (اول قرن‌تیزان ۲۰:۱۵،
۵۵). هم‌چنین این آیات را ببینید، رومیان ۵:۱۰؛ ۴:۶، ۸، ۱۱؛ ۱۰:۹؛ اول
قرن‌تیزان ۱۵:۲۳، ۵۵؛ دوم قرن‌تیزان ۱:۹؛ ۴:۱۰-۱۱؛ افسسیان ۲:۶؛ کولسیان ۲:۱۲؛
دوم تسالونیکیان ۲:۱۳؛ عبرانیان ۲:۹، ۱۴؛ اول یوحنا ۳:۱۴؛ مکاشفه ۴:۱۴.
۱۴:۲۰.

بند پانزدهم

ما تصدیق می‌کنیم که عیسی‌ای مسیح به تخت آسمانی خود صعود نموده، در دست راست خدای پدر نشسته است و اینکه او شخصاً در جایگاه یک پادشاه سلطنت می‌کند و در قدرت و جلال در مقابل دیدگان باز می‌گردد.^{۱۵}

ما انکار می‌کنیم که عیسی‌ای مسیح نسبت به زمان بازگشت خود دچار اشتباه شده باشد.

^{۱۵} پس آنانی که جمع بودند، از او سوال نموده گفتند: «خداوندا آیا در این وقت ملکوت را بر اسرائیل باز برقرار خواهی داشت؟» بدیشان گفت: «از شما نیست که زمانها و اوقاتی را که پدر در قدرت خود نگاه داشته است بدانید. لیکن چون روح‌القدس بر شما می‌آید، قوت خواهید یافت، و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره، و تا اقصای جهان.» و چون این را گفت، وقتی که ایشان همی‌نگریستند، بالا برده شد، و ابری او را از چشمان ایشان در ربود. چون به سوی آسمان چشم دوخته می‌بودند، هنگامی که او می‌رفت، ناگاه دو مرد سفیدپوش نزد ایشان ایستاده، گفتند: «ای مردان جلیلی چرا ایستاده، به سوی آسمان نگرانید؟ همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد، باز خواهد آمد به همین طوری که او را به سوی آسمان روانه دیدید» (اعمال رسولان ۱: ۶-۱۱). هم‌چنین این آیات را ببینید، لوقا ۲۴: ۵۰-۵۳؛ اعمال رسولان ۱: ۲۲؛ ۳۳: ۲-۳۵؛ افسسیان ۴: ۸-۱۰؛ اول تیموتائوس ۳: ۱۶.

ما تصدیق می‌کنیم که عیسای مسیح در روز پنتیکاست روح خود را نازل نمود و اکنون در جایگاه خود بر همه چیز سلطنت کرده، برای قوم خود شفاعت نموده و کلیسای خود را بنا می‌نماید، او که به تنهایی سر کلیساست.^{۱۶}

ما انکار می‌کنیم که عیسای مسیح اسقف روم را به عنوان جانشین خود منصوب کرده و یا شخص دیگری غیر از عیسای مسیح می‌تواند سر کلیسا باشد.

^{۱۶} و همه چیز را زیر پایهای او نهاد، و او را سر همه چیز به کلیسا داد (افسیان ۲۲:۱). هم‌چنین این آیات را ببینید، اعمال رسولان ۲:۳۳؛ اول قرن‌تیا ۱۱-۵-۳؛ افسسیان ۴:۱۵؛ ۵:۲۳؛ کولسیان ۱:۱۸.

بند هفدهم

ما تصدیق می‌کنیم که عیسی‌ای مسیح باز خواهد آمد، در جلال و برای داوری مردم و در نهایت تمامی دشمنانش را مغلوب می‌سازد، مرگ را از بین برده، و در آسمان و زمین جدید رهبر خواهد بود، آنجا که او به عدالت سلطنت می‌کند.^{۱۷}

ما انکار می‌کنیم که بازگشت نهایی عیسی‌ای مسیح در سال ۷۰ میلادی به وقوع پیوسته، و بازگشت او و اتفاقات مربوط به آن را باید به صورتی نمادین دید.

^{۱۷} و ما را مأمور فرمود که به قوم موعظه و شهادت دهیم بدین که خدا او را مقرر فرمود تا داور زندگان و مردگان باشد (اعمال رسولان ۴۲:۱۰). هم‌چنین این آیات را ببینید، یوحنا ۴۸:۱۲؛ ۳:۱۴؛ اعمال رسولان ۷:۷؛ ۳۱:۱۷؛ دوم تیموتائوس ۱:۴، ۸.

ما تصدیق می‌کنیم که عیسیای مسیح خداوند در پادشاهی
 ابدی خود پذیرای کسانی خواهد بود که به اسم
 او ایمان دارند، اما کسانی که به او ایمان ندارند،
 ابدیت را با تحمل عذاب و مجازات آگاهانه در جهنم
 خواهند گذرانید.^{۱۸}

ما انکار می‌کنیم که تمام بشر نجات خواهند یافت. ما
 این که افراد بی‌ایمان به عیسیای مسیح بعد از مرگ
 کاملاً نابود و معدوم می‌شوند را انکار می‌کنیم.

^{۱۸} که پسر انسان ملائکه خود را فرستاده، همه لغزش‌دهندگان و بدکاران
 را جمع خواهند کرد، و ایشان را به تور آتش خواهند انداخت، جایی که
 گریه و فشار دندان بود. آن‌گاه عادلان در ملکوت پدر خود مثل آفتاب،
 درخشان خواهند شد. هر که گوش شنوا دارد بشنود (متی ۱۳: ۴۱-۴۳).
 هم‌چنین این آیات را ببینید، اشعیا ۲۵: ۶-۹؛ ۲۵: ۱۷-۶۵؛ ۲۱: ۶-۲۳؛ دانیال
 ۱۳: ۷-۱۴؛ متی ۵: ۲۹-۳۰؛ ۲۸: ۱۰؛ ۸: ۹-۸؛ مرقس ۹: ۴۲-۴۹؛ لوقا ۱: ۳۳؛ ۵: ۱۲؛
 یوحنا ۱۸: ۳۶؛ کولسیان ۱: ۱۳-۱۴؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۵-۱۰؛ دوم تیموتائوس ۱: ۴،
 ۱۸؛ عبرانیان ۱۲: ۲۸؛ دوم پطرس ۱: ۱۱؛ ۲: ۴؛ مکاشفه ۲۰: ۱۵.

بند نوزدهم

ما تصدیق می‌کنیم، تمامی کسانی که پیش از بنیاد عالم در مسیح برگزیده شده‌اند و با او در ایمان متحد گشته‌اند، از ارتباط با او و یکدیگر بهره‌مند بوده و لذت خواهند برد. ما تصدیق می‌کنیم که در عیسی مسیح از لذت تمامی برکات روحانی، از جمله عادل‌شمردگی، فرزند خواندگی، تقدیس و جلال نهایی بهره‌مند خواهیم شد.^{۱۹}

ما انکار می‌کنیم که عیسی مسیح و عمل نجات‌بخش او را می‌توان از هم جدا ساخت. ما توان شراکت در نجات عیسی مسیح جدا از خود عیسی مسیح را انکار می‌کنیم. ما امکان اتحاد با عیسی مسیح و عدم اتحاد با بدن او، کلیسا، را انکار می‌کنیم.

^{۱۹} زیرا که جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم، خواه یهود، خواه یونانی، خواه غلام، خواه آزاد و همه از یک روح نوشانیده شدیم. (اول قرن‌تینان ۱۲:۱۳). هم‌چنین این آیات را ببینید، یوحنا ۱۴:۲۰؛ ۱۵:۴-۶؛ رومیان ۶:۱؛ ۱-۸:۲؛ ۱۲:۳-۵؛ اول قرن‌تینان ۱:۳۰-۳۱؛ ۶:۱۰-۱۶:۱۷؛ ۱۲:۲۷؛ دوم قرن‌تینان ۵:۱۷-۲۱؛ غلاطیان ۳:۲۵-۲۹؛ افسسیان ۱:۳-۱۰، ۲۲-۲۳؛ ۲:۱-۲؛ ۳:۶-۷؛ ۴:۱۰-۱۶؛ ۵:۲۳؛ ۳۰؛ کلوسیان ۱:۱۸؛ ۲:۱۸-۱۹.

ما آموزه‌ی عادل‌شمردگی فقط از راه ایمان را تصدیق می‌کنیم، آنکه خدا ما را فقط بر اساس عمل فیض او عادل می‌خواند، فقط از طریق ایمان ما، فقط بر شخص و کار عیسای مسیح، فارغ از اعمال و شایستگی ما. ما تصدیق می‌کنیم که رد کردن آموزه‌ی عادل‌شمردگی فقط از راه ایمان، انکار انجیل است.^{۲۰}

ما اینکه بر پایه‌ی ریزش تدریجی فیض بر اساس اعمال‌مان عادل‌شمرده شده‌ایم را انکار می‌کنیم. اینکه ما عادل‌شمرده می‌شویم فقط زمانی که ذاتا عادل شویم را انکار می‌کنیم. ما انکار می‌کنیم که این عادل‌شمردگی اکنون و یا هر زمانی بر اساس سرسپردگی ما بوده است. که با عادل‌شمردگی پیوسته و همراه است، هر چند با عادل‌شمردگی متفاوت است.

^{۲۰} پس چون که به ایمان عادل‌شمرده شدیم، نزد خدا سلامتی داریم بواسطت خداوند ما عیسی مسیح، (رومان ۱:۵). هم‌چنین این آیات را ببینید، لوقا ۱۴:۱۸؛ رومیان ۳:۲۴؛ ۵:۵؛ ۱۰:۵؛ ۸:۳۰؛ ۴:۱۰، ۱۰؛ اول قرنتیان ۶:۱۱؛ دوم قرنتیان ۵:۱۹، ۲۱؛ غلاطیان ۲:۱۶-۱۷؛ ۳:۱۱، ۲۴؛ ۴:۵؛ افسسیان ۱:۷؛ تیطس ۳:۵، ۷.

بند بیست و یکم

ما تصدیق می‌کنیم، در عملِ الهیِ تقدیس شدن ما منفعل نیستیم، بلکه مسئول هستیم تا خود را در تلاشی مداوم برای مردن نسبت به گناه و زندگی در اطاعت از خداوند به ابزار مقرر شده‌ی فیض خداوند بسپاریم.^{۲۱}

ما انکار می‌کنیم، که شخص بدون اینکه هم‌زمان در اتحاد او با مسیح برای تقدیس شدن ثمری حاصل شود، عادل‌شمرده می‌شود. ما انکار می‌کنیم که اعمال نیکوی ما، در حالی که در عیسای مسیح برای خداوند قابل قبول باشند، شایسته‌ی عادل‌شمردگی هستند. ما انکار می‌کنیم که در این زندگی، کشمکش با گناه درونی متوقف خواهد شد، هر چند گناه دیگر بر ما سلطه ندارد.

^{۲۱} متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که ما را مبارک ساخت به هر برکت روحانی در جای‌های آسمانی در مسیح، چنان که ما را پیش از بنیاد عالم در او برگزید تا در حضور او در محبت، مقدس و بی‌عیب باشیم. (افسیسیان ۱: ۳-۴). هم‌چنین این آیات را ببینید، یوحنا ۱۷: ۱۷؛ اعمال رسولان ۳۲: ۲۰؛ رومیان ۶: ۵-۶، ۱۴؛ ۱۳: ۸؛ اول قرنتیان ۶: ۱۱؛ دوم قرنتیان ۱۰: ۷؛ غلاطیان ۵: ۲۴؛ افسسیان ۳: ۱۶-۱۹؛ ۴: ۲۳-۲۴؛ فیلیپیان ۳: ۱۰؛ کلوسیان ۱: ۱۰-۱۱؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳؛ عبرانیان ۱۲: ۱۴.

بند بیست و دوم

تصدیق می‌کنیم که عیسای مسیح یگانه واسطه و میانجی میان خدا و قوم است. ما جایگاه مسیح را در واسطه بودنش به عنوان نبی، کاهن و پادشاه در هر دو زمان، فروتنی و جلالش تصدیق می‌کنیم. ما تصدیق می‌کنیم که او برای آنچه پدر او را به آن خوانده بود، یعنی انجام خدمت میانجی بودن، با روح القدس مسح شد.^{۲۲}

ما انکار می‌کنیم، که خداوند تجسمی دیگر داشته و یا خواهد داشت، و یا این که واسطی جز عیسای مسیح و نجاتی دیگر جز در او، بوده و یا خواهد بود. ما نجاتِ جدا از عیسای مسیح را انکار می‌کنیم.

^{۲۲} زیرا خدا واحد است و در میان خدا و انسان یک متوسّطی است، یعنی انسانی که مسیح عیسی باشد، (اول تیموتائوس ۲: ۵). هم‌چنین این آیات را ببینید، ایوب ۳۳: ۲۳-۲۸؛ لوقا ۱: ۳۳؛ یوحنا ۱-۱۴؛ ۶: ۱۴؛ اعمال رسولان ۳: ۲۲؛ کلوسیان ۱: ۱۵؛ عبرانیان ۱: ۱-۴؛ ۶-۵: ۵؛ ۹: ۱۵؛ ۱۲: ۲۴.

بند بیست

و سوم

تصدیق می‌کنیم که عیسی‌ای مسیح به عنوان عالی‌ترین نبی خداوند، هم موضوع و هم مقصود نبوت بود. ما تصدیق می‌کنیم که عیسی‌ای مسیح اراده‌ی خدا را آشکار ساخته و اعلام نمود؛ او اتفاقات آینده را پیشگویی کرد، و تکمیل وعده‌های خداوند در خود اوست.^{۳۳}

ما انکار می‌کنیم که عیسی‌ای مسیح حتی یک نبوت غلط و یا سخن کذب به زبان آورده باشد و یا اینکه در انجام نبوت‌های مربوط به خودش ناموفق بوده و یا ناموفق خواهد بود.

^{۳۳} و الحال ای برادران، می‌دانم که شما و چنین حکام شما این را به سبب ناشناسایی کردید. و لیکن خدا آن اخباری را که به زبان جمیع انبیای خود، پیش گفته بود که مسیح باید زحمت بیند، همین‌طور به انجام رسانید. پس توبه و بازگشت کنید تا گناهان شما محو گردد، و تا اوقات استراحت از حضور خداوند برسد. و عیسی مسیح را که از اول برای شما اعلام شده بود بفرستد. که می‌باید آسمان او را پذیرد تا زمان معاد همه چیز که خدا از بدو عالم به زبان جمیع انبیای مقدس خود، از آن اخبار نمود. زیرا موسی به اجداد گفت که «خداوند خدای شما نبی مثل من، از میان برادران شما برای شما برخواهد انگیخت. کلام او را در هرچه به شما تکلم کند، بشنوید» (اعمال رسولان ۳: ۱۷-۲۲). هم‌چنین این آیات را ببینید، متی ۲۰: ۱۷؛ ۲۴: ۴؛ ۲۶: ۳۱، ۳۴، ۶۴؛ مرقس ۱: ۱۴-۱۵؛ لوقا ۴: ۱۸-۱۹، ۲۱؛ یوحنا ۱۳: ۱۶؛ ۲۲: ۲۱؛ اول قرنتیان ۱: ۲۰؛ عبرانیان ۱: ۲؛ مکاشفه ۱۹: ۱۰.

ما تصدیق می‌کنیم که عیسای مسیح کاهن اعظم‌مان است،
 به رتبه‌ی ملک‌یصداق، او که خود را برای ما به عنوان
 قربانی کامل گذرانید و همواره در حضور پدر برای
 ما شفاعت می‌کند. ما تصدیق می‌کنیم که عیسای
 مسیح هم کاهن و هم قربانی بود، قربانی نهایی و
 کفاره‌ی عالی گناهان.^{۲۴}

ما انکار می‌کنیم که چون عیسای مسیح از سبت یهودا بود
 و نه از سبت لای، برای خدمت به ما به عنوان کاهن
 صلاحیت نداشت. ما انکار می‌کنیم که او همواره خود را
 در شام خداوند به عنوان قربانی و کاهن تقدیم می‌کند،
 همسان شکلی بدون ریخته شدن خون. ما انکار می‌کنیم
 که او صرفاً در آسمان کاهن شد و نه بر روی زمین.

^{۲۴} زیرا مسیح به قدس ساخته شده به دست داخل نشد که مثال مکان حقیقی
 است؛ بلکه به خود آسمان تا آنکه الان در حضور خدا به جهت ما ظاهر شود.
 و نه آنکه جان خود را بارها قربانی کند، مانند آن رییس گه‌نه که هر سال با
 خون دیگری به مکان اقدس داخل می‌شود؛ زیرا در این صورت می‌بایست که او
 از بنیاد عالم بارها زحمت کشیده باشد. لکن الان یک مرتبه در اواخر عالم ظاهر
 شد تا به قربانی خود، گناه را محو سازد. و چنان که مردم را یک بار مردن و
 بعد از آن جزا یافتن مقرر است، همچنین مسیح نیز چون یک بار قربانی شد
 تا گناهان بسیاری را رفع نماید؛ بار دیگر بدون گناه، برای کسانی که منتظر او
 می‌باشند، ظاهر خواهد شد به جهت نجات (عبرانیان ۹: ۲۴-۲۸). هم‌چنین این
 آیات را ببینید، یوحنا ۱: ۳۶؛ ۱۹: ۲۸-۳۰؛ اعمال رسولان ۸: ۳۲؛ اول قرن‌تیاں ۷: ۵؛
 ۱۷-۱۸: ۴؛ ۱۶-۱۴: ۷؛ ۲۵: ۷؛ ۱۰: ۱۲، ۲۶؛ اول پطرس ۱: ۱۹؛ مکاشفه ۵: ۶، ۸، ۱۲-۱۳؛
 ۱: ۶، ۱۶؛ ۹-۱۰: ۱، ۱۷؛ ۱: ۸؛ ۱۱: ۱۲؛ ۱۳: ۸، ۱۱؛ ۱۵: ۳.

بند بیست

ما تصدیق می‌کنیم که در مقام پادشاه، عیسیای مسیح بر قدرت‌های زمینی و قدرت‌های فوق طبیعی به طریقی عالی الحال و تا ابد سلطنت می‌کند.^{۲۵} ما انکار می‌کنیم، که سلطنت عیسیای مسیح صرفاً یک پادشاهی سیاسی بر زمین است. ما انکار می‌کنیم که حکمرانان زمینی به او پاسخگو نیستند.

و پنجم

^{۲۵} زیرا مادامی که همه دشمنان را زیر پایهای خود نهد، می‌باید او سلطنت بنماید (اول قرن‌تیاان ۲۵:۱۵). هم‌چنین این آیات را ببینید، مزمور ۱۱۰؛ متی ۱۸:۲۸-۲۰؛ لوقا ۱:۳۲؛ ۱۱:۲؛ اعمال رسولان ۲:۲۵، ۲۹، ۳۴؛ ۴:۲۵؛ ۱۳:۲۲، ۳۴، ۳۶؛ ۱۶:۱۵؛ رومیان ۱:۳؛ دوم تیموتائوس ۲:۸؛ عبرانیان ۴:۷؛ مکاشفه ۷:۳؛ ۵:۵؛ ۱۶:۲۲.

ما تصدیق می‌کنیم، زمانی که عیسای مسیح تمامی دشمنانش را مغلوب نمود، پادشاهی خود را به دست پدر می‌سپارد. ما تصدیق می‌کنیم که در آسمان و زمین جدید، خداوند با قوم خود خواهد بود و ایمانداران، عیسای مسیح را روبرو خواهند دید، و مانند او خواهند شد، و برای ابد از بودن با او لذت خواهند برد.^{۳۶}

ما انکار می‌کنیم، که امید دیگری برای بشر وجود داشته و یا جز در عیسای مسیح، اسمی دیگر یا راهی دیگر برای نجات باشد.

^{۳۶} بعد از آن انتها است، وقتی که ملکوت را به خدا و پدر سپارد. و در آن زمان تمام ریاست و تمام قدرت و قوت را نابود خواهد گردانید. زیرا مادامی که همه دشمنان را زیر پایهای خود نهد، می‌باید او سلطنت بنماید. دشمن آخر که نابود می‌شود، موت است. زیرا «همه‌چیز را زیر پایهای وی انداخته است.» اما چون می‌گوید که «همه‌چیز را زیر انداخته است»، واضح است که او که همه را زیر او انداخت مستثنی است. اما زمانی که همه مطیع وی شده باشند، آن‌گاه خود پسر هم مطیع خواهد شد او را که همه‌چیز را مطیع وی گردانید، تا آنکه خدا کل در کل باشد (اول قرنتیان ۱۵: ۲۴-۲۸). هم‌چنین این آیات را ببینید، اشعیا ۱۷: ۶۵؛ ۲۲: ۶۶؛ فیلیپیان ۲: ۹-۱۱؛ دوم پطرس ۳: ۱۳؛ اول یوحنا ۳: ۲-۳؛ مکاشفه ۱: ۲۱-۵؛ ۱: ۲۲-۵.

مقاله‌ای توضیحی

با پیشنهاداتی برای استفاده

روزی

بر زمین یک اعتراف طین‌انداز خواهد شد.

«عیسای مسیح خداوند است.» (فیلیپیان ۲:

۱۱). این جمله‌ی کوتاه سرشار از معانی است. برای آنکه

بگویند عیسی همان مسیح موعود است، برای آن که بگویند

او همان مسح‌شده است. برای آنکه بگویند این همان

ماشیح وعده داده شده است، آنکه برایش انتظار بسیاری

کشیده شد. برای آنکه بگویند عیسای مسیح خدا و حقیقتاً

خداوند است.

تجسم بالاترین شگفتی‌هاست، یک اعجاب رمزآلود.

خدا انسان شد. حتی اینکه او را عیسی بخوانیم، می‌گوییم

او یگانه نجات‌دهنده است. او به جهان آمد برای یک

مأموریت، تا قوم خود را از گناهان‌شان نجات بخشد (متی

۱: ۲۱).

«عیسای مسیح خداوند است» یک اعتقاد است، بیانی

دقیق از یک عقیده. کلمه‌ی انگلیسی اعتقاد (Creed) از ریشه‌ای

لاتین گرفته شده است، که به معنی «من باور دارم» است. این

اعتقادنامه‌ی کوتاه نشان می‌دهد ما نسبت به عیسای مسیح

چه اعتقادی داریم.

بعضی گمان می‌کنند اول تیموتائوس ۳: ۱۶ نیز می‌تواند

یک اعتقادنامه باشد. دو دلیل هم آورده می‌شود. اول آنکه پولس رسول این عبارت را استفاده می‌کند، «و بالاجماع سرّ دینداری عظیم است.» دوم اینکه بخش‌های این آیه ضرب‌آهنگ داشته و به حالتی شعری بیان شده‌اند. این عبارت توضیحی مختصر است بر تجسم مسیح:

و بالاجماع سرّ دینداری عظیم است،
که خدا در جسم ظاهر شد و در روح،
تصدیق کرده شد و به فرشتگان مشهود گردید
و به امت‌ها موعظه کرده و در دنیا ایمان آورده
و به جلال بالا برده شد (اول تیموتائوس ۳: ۱۶).

الگوی کتاب مقدس بسیار مهم است. وقتی کلیسای اولیه شوراهای را تشکیل دادند و اعتقادنامه‌ها را ایجاد نمودند، آنها شیوه‌ای جدید را برای اعتراف ایمان ابداع نمی‌کردند. بلکه آن را بر آنچه که پیشتر بر اساس کتاب مقدس ایجاد شده بود قرار می‌دادند.

با بروز چالش‌ها، کلیسای اولیه موضع می‌گرفت. علاوه بر آن فکرهای بسیاری در مورد نیازهای پرستشی وجود داشت، یا اشتیاق به پرستشی خالصانه، کلیسا را بر آن داشت تا مشغول

نوشتن اعتقادنامه‌ها بشود. به طور خاص این موضوع در مورد آموزه‌ی مسیح‌شناسی صادق است. برای قرن‌ها حقایق اساسی در مورد شخص و کار عیسی تعریفی مشخص از مسیحیت شد. خود نویسندگان عهد جدید با دیدگاه‌های غلط در مورد هویت و کار مسیح وارد مبارزه شده بودند. در قرن‌های اولیه‌ی کلیسا، گروه‌های متعددی کلیسا را در مورد انسانیت واقعی عیسی مسیح به چالش کشیدند. یکی از این گروه‌ها دوستیست‌ها، مدعی بودند که عیسی فقط ظاهراً یک انسان بود. بدعت‌های دیگر مانند آریانیسم، حقیقت الوهیت مسیح را به چالش کشیدند. این بدعت‌ها مدعی آن بودند که عیسی مسیح از پدر کمتر است. گروه‌های بعدی در مورد چگونگی توضیح در مورد دو ذات مجزای مسیح در اشتباه بودند، انسانیت حقیقی و خداوندی حقیقی مسیح با هم در این یک شخص متحد شده‌اند. پاسخ کلیسای اولیه به این اشتباهات و چالش‌ها، گردهم آمدن در شوراها و نوشتن اعتقادنامه‌ها بود، اعتقادنامه‌هایی که تعالیم کتاب مقدس را به طور خلاصه و بر اساس حقایق اساسی ایمان مسیحی مکتوب می‌کردند. این اعتقادنامه‌ها میراثی غنی هستند، که از نسلی به نسل دیگر دست به دست شده‌اند. بنابراین ما امروزه منابعی مانند اعتقادنامه‌ی رسولان، اعتقادنامه‌ی نیقیه و ایمان‌نامه‌ی کالسدون را در دست داریم.

این اعتقادنامه‌ها مانند نشانه‌های مرزی هستند، که به وضوح میان راست‌دینی و بدعت‌ها کشیده شده‌اند.

این اعتقادنامه‌ها در جهت استحکام در خدمت کلیسا بوده‌اند، در دست مهربان و حاکمانه‌ی خدا و همواره راهنمایی برای مسیحیان گشته‌اند تا انجیل را با وفاداری اعلام نمایند. آنها امروزه به عنوان شهادتی بر ارزش ماندگار بودن‌شان بازخوانی می‌شوند. آنها به ما یادآوری می‌کنند که مسیح در مرکزیت الاهیات و پرستش ما است. این اعتقادنامه‌ها کلیسا را فرا می‌خوانند به «آن ایمانی که یک بار به مقدّسین سپرده شد» (یهودا ۱:۳).

با این حال این اعتقادنامه‌ها صرفاً به کار مسیح اشاره می‌کنند. آنها انجیل را به طور کامل توضیح نمی‌دهند. در دوران اصلاحات یک جدایی واقعی میان کلیسای مرئی رخ داد. کار مسیح موضوع کلیدی بود. به طور خاص، مناظره درباره‌ی آموزه‌ی عادل‌شمردگی تنها از طریق ایمان مرکزیت مبحثی گشت که جرقه‌ی اصلاحات شد. در اینجا کلیسا در امتداد مرزی میان پروتستان و کاتولیک روم از هم جدا شد. پروتستان‌ها بر آموزه‌ی عادل‌شمردگی فقط بر اساس ایمان صحه می‌گذاشتند، (فقط ایمان)، در حالی که کلیسای کاتولیک روم با پیروی از مصوبات شورای ترنت، آموزه‌ی عادل‌شمردگی فقط بر اساس ایمان را رد

می‌کردند، در عوض انتخاب آنها این بود که عادل‌شمردگی را نتیجه‌ی همکاری ایمان و اعمال شخص ببینند. اصلاحات همچنین تفاوت دیگری را نسبت به یک موضوع آشکار ساخت، که آن را می‌توان سر بودن مسیح به تنهایی و کمال بر کلیسایش و بر همه چیز نامید.

روی هم رفته، اعتقادنامه‌های عمومی کلیسای اولیه و تأکیدات اصلاحات دستورات عمل‌های کلیسا را برای اعلام کتاب مقدسی و وفادارانه‌ی انجیل ترسیم کرد. اعتقادنامه‌ها و ایمان‌نامه‌های مختلف دوران اصلاحات و پرسش و پاسخ‌های مسیحی خلاصه‌ای از ایمان فراهم آورده و یک شفافیت بر ایمان مسیحی و انجیل ایجاد کردند.

کلمه جسم گردید، بعنوان بیانیه‌ی خدمات لیگونی‌ر در مورد آموزه‌ی مسیح‌شناسی با فروتنی در تلاش است تا به کلیسای این نسل و با برکت خداوند، نسل آینده، بیانیه‌ای موجز را در باب شخص و کار مسیح ارائه دهد که بر اساس اعتقادنامه‌های عمومی و الهیات اصلاحات، بر آمده از غنای گذشتگان است. شاید این بیانیه و مجموع آن بیست و شش بند مختصر تصدیق‌ها و انکارها عاملی گردد برای مباحث بیشتر و تأمل بر این مسائل مهم در باب مسیح‌شناسی. ممکن است این بیانیه برای کلیسا

کاربردی باشد. تمامی تلاش برای آن بوده تا این بیانیه برای مطالعه‌ی همه سودمند باشد. ما می‌خواهیم هر شخصی که با این بیانیه روبرو می‌شود بداند که «عیسای مسیح خداوند است.»

بیانیه

این بیانیه از شش بند یا بخش تشکیل شده است. بخش اول پیشگفتار است، با دو فعل کلیدی: اعتراف و شادی. خداوند هم خود و هم اراده‌اش را در صفحات کتاب مقدس آشکار نمود. اما همچنان رازهایی وجود دارد که متعلق به خود خداوند است (تثنیه ۲۹: ۲۹). ما همواره باید در مواجهه با الاهیات، متوجه محدودیت‌های خود باشیم. بنابراین ما با اعتراف به رمزآلود و شگفت‌آور بودن انجیل شروع می‌کنیم. تمرکز اصلی این بیانیه تجسم مسیح است، که ما به طور خلاصه آن را با این کلمات تعریف کرده‌ایم: کلمه جسم گردید. «شخص» مسیح بدون وقفه به «کار» مسیح هدایت می‌شود، پس ما به طور جمعی از کار نجات مسیح شادمان می‌شویم. بند دوم تأکید را بر خداوندی مسیح می‌گذارد، دیدن او با برابری در مقامش در میان اقانیم تثلیث. این بند با بازگویی بخشی از ایمان‌نامه‌ی کالسدون به پایان می‌رسد. از زمان تجسم، مسیح

دارای دو ذات در یک شخص بوده و هست. شرحی بر تجسم بند سوم را در بر می‌گیرد، اهمیت انسان حقیقی بودن مسیح. او متولد شد. او عمانوئیل، به معنی «خدا با ما» است (متی ۱: ۲۳). در اینجا ما مرگ او را اعتراف نمودیم، دفن شدن، قیام، صعود، بازگشت دوباره. این امور حقایق تاریخی تجسم هستند. حقایق الاهیاتی در باب تجسم در بخش چهارم قرار گرفته‌اند، با ترسیم آنها بر اساس بازبینی بینش دوران اصلاحات. برای ما، عیسی کاملاً مطیع بود. او شریعت را حفظ کرد و جریمه‌ی شریعت را پرداخت کرد. او بره‌ی بدون لکه بود، و به عنوان جانشین برای ما کفاره گشت. او مهم‌ترین مشکل پیش روی تمام بشر را حل کرد: غضب خدای قدوس. این بند با ایجاد شفافیت بر آموزه‌ی جایگزینی به اتمام رسید. گناهان ما بر او قرار گرفت، یا به حساب او گذاشته شد، در حالی که عدالت او به حساب ما گذاشته شد. صلح میان ما و خدا فقط و منحصرأ به خاطر مرگ مسیح برای ما ممکن گشته است. او ما را با عدالت خود پوشانیده است.

مقام سه‌گانه‌ی عیسای مسیح، یک بنای مفید الاهیاتی که به طور خلاصه آشکارکننده‌ی کار مسیح است. سه مقام، نبی، کاهن و پادشاه که از هم به واسطه‌ی نقش و جایگاه

متفاوت‌شان در عهد قدیم جدا می‌شوند. عیسی هر سه مقام را در شخص خود متحد ساخت، و او همه را بدون نقص به انجام رساند. در این بخش تأمل ما صرفاً بر کار میانجی و واسطه بودن مسیح در گذشته و بر صلیب نبوده، بلکه همچنین بر کار او اکنون به عنوان شفیع ما حاضر در دست راست خدای پدر متمرکز است. نتیجه‌گیری این بند، تصدیق یک اعتراف موجز است. عیسی مسیح، خداوند است. تمامیت الاهیات صحیح رهبری‌کننده به سوی پرستش و تمجید خداوند است. در نتیجه، بیانیه با یک فعل کلیدی پایان می‌پذیرد، ستایش. با پرستش مسیح در حال حاضر، ما برای کار ابدی خود آماده می‌شویم.

بیست و شش بند تصدیق‌ها و انکارها

عبارات این بیانیه دروازه‌هایی هستند برای مطالعه‌ی مسیح‌شناسی، بررسی مکاشفات غنی تعالیم کتاب مقدس بر شخص و کار مسیح. برای راهنمایی بیشتر ما، مجموعه‌ی بیست و شش بند تصدیق‌ها و انکارها اضافه شده است، هر کدام به همراه گواهی از کتاب مقدس. یک آیه به طور کامل برای هر بخش نوشته شده است و آیات دیگر که برای پشتیبانی ذکر شده‌اند. این مقالات بسیار مهم و اساسی هستند. آنها مرزهای تعلیمات کتاب مقدسی را بر شخص مسیح و اعمال او مشخص

می‌نمایند.

بند ۱، خدمتی کامل در تصدیق تجسم انجام می‌دهد. بند ۲، الوهیت حقیقی مسیح را اثبات می‌کند، در حالی که بندهای ۳ تا ۵، کتاب‌مقدس را در باب یک شخص و دو ذات در مسیح‌شناسی ارائه می‌دهند. بندهای ۶ تا ۹ انسان حقیقی بودن مسیح را آشکار می‌کنند. بندهای ۱۰ تا ۲۶ تمرکز را از شخص مسیح برداشته و بر اعمال مسیح قرار می‌دهد. که با تصدیق آموزه‌ی نجات شروع شده و با شرح مقام سه‌گانه‌ی مسیح خاتمه می‌پذیرد.

انکارها بسیار مهم هستند. ترجیحاً انکار یک عقیده در دوران تسامح‌گر ما خارج از عرف است، اما بندهای تصدیق‌ها و انکارها عملی از سر غرور و جسارت نیست. در عوض بندهای تصدیق‌ها و انکارها با امید به کمک بودن برای کلیسا بر مرتع سبز و امن تعالیم کتاب‌مقدس قرار می‌گیرد. دوم یوحنا آیه‌ی ۹ روشن می‌سازد، «هرکه پیشوایی می‌کند و در تعلیم مسیح ثابت نیست، خدا را نیافته است. اما آنکه در تعلیم مسیح ثابت ماند، او هم پدر و پسر را دارد.» این آیه اشاره به این دارد که در تعلیم کتاب‌مقدس درباره‌ی مسیح و در تعالیمی که در پس مسیح‌شناسی در کتاب‌مقدس آمده است، باید رشد و پیشرفت کرد. به عنوان بیست و شش بند در بندهای مختلف،

این بیانیه می‌تواند ما را به قسمت‌های عمیق‌تری در باب شناخت مسیح برده و تعلیم دهد.

شاید بعضی به درستی سوال کنند، چرا اصلاً بیانیه‌ای تازه ضروری است؟ سوال خوبی است. ما سه دلیل برای ضرورت این بیانیه ارائه می‌دهیم. امید ما این است که کلیسا با دیدن چالش‌های گذشتگان و چالش‌های حال حاضر در پرستش و تعلیم خدمت شود. ما همچنین امیدواریم که برای افرادی که در خدمت کلام خدا هستند طریقی برای شناخت همکاران واقعی در این خدمت ایجاد شود.

و در آخر، با دیدن دورانی پر چالش پیش روی کلیسا، امید ما آن است که این بیانیه ماهیت کلام خدا را در زیبایی، نیاز و ضرورت‌اش به یاد ما بیاورد. هر یک از این دلایل را در نظر داشته باشید:

برای پرستش و تهذیب

خدمات لیگونی‌ر فروتنانه این بیانیه را به کلیسا تقدیم می‌کند. از قرون اول مسیحیان اعتقادنامه‌ها را در مراسم عبادت کلیسایی استفاده می‌کردند. امید بر آن است تا این بیانیه بتواند برای همان منظور خدمت نماید. اعتقادنامه‌ها می‌توانند ابزاری پر امید برای تعلیم و تأمل بر افق‌های کلام خدا باشند. همچنین امید است که این بیانیه و تمامی بیست و شش بند

مقالات در کلیسا به عنوان راهنمایی برای کشف بیشتر کلام و تأمل بر آن مورد استفاده قرار گیرد. آموزه‌های شخص و اعمال مسیح برای هویت و سلامت کلیسا ضروری هستند. تمام نسل‌های کلیسا نیاز به درکی صحیح و راست‌دینانه نسبت به شخص و اعمال مسیح دارند تا آن را تصدیق نموده و بدانند. امید ما آن است که این بیانیه مفید باشد.

به علتی متداول در انجیل

شمار کلیساهای فرا فرقه‌ای رو به افزایش است، سازمان‌ها و جنبش‌های بسیاری در سراسر دنیا، برای پیشرفت انجیل خدمت می‌نمایند. اما گاهی تشخیص مشارکت‌ها و انجمن‌های سالم در آن میان بسیار دشوار است. شاید این بیانیه بتواند خدمتی در شناخت برادران و خواهران مسیحی نموده و برای تلاش‌های سخت و مشترک آنها در راه انجیل کمک باشد.

برای چنین زمانه‌ای

در محوطه‌ی دانشگاه آکسفورد بنای یادبود شهدا وجود دارد. یادبودی از قربانی شدن تعدادی از اصلاحگران انگلیسی، مانند توماس کراهر، نیکولاس رایدلی و هاچ لتایمر. گفته می‌شود آنها بدن خود را به سوختن سپردند تا شهادتی بر حقایق مقدسی باشد که آنها در مقابل اشتباهات کلیسای روم تصدیق کرده و حفظ نمودند. برای آنها نه فقط هدیه‌ی

ایمان به عیسیای مسیح، بلکه فرصت رنج کشیدن برای او باعث شادمانی بود.

آنها به حقایق مقدس انجیل عیسیای مسیح ایمان داشته، آنها را تصدیق کرده و حفظ می نمودند. با تکیه بر شهادت این حقایق، آنها را اعلام کرده، از آنها دفاع نموده و حتی به جهت آنها رنج می دیدند. در طی قرن‌ها بسیاری به این اصلاحگران پیوستند. بسیاری از کلیساها در دنیای پیشرفته‌ی غرب از آزادی مذهب لذت برده‌اند. تا کی اینچنین خواهد بود، جای سوال است! این نسل و یا نسل‌های آینده شاید به خوبی خوانده شوند تا برای ایمان به مسیح متحمل رنج شوند. عدم آمادگی برای آن روز حکیمانه نیست، همچنین رها کردن نسل آینده بدون آماده‌سازی نیز عاقلانه نیست.

به راستی، این حقایق در مورد شخص مسیح و اعمال او شایسته‌ی ایمان، تصدیق، حفظ و رنج بردن برای آنها هستند. حیات در مسیح است.

زمانی در زندگی زمینی عیسیای مسیح وجود داشت که تمامی جمعیت او را ترک کردند. او ماند با گروه شاگردانش. و او از آنها نیز سوال نمود که آیا آنها نیز مایل به ترک او هستند. پطرس از طرف گروه جواب داد: «خداونداندا نزد که برویم؟ کلمات حیات

جاودانی نزد تو است و ما ایمان آورده و شناخته‌ایم که تو مسیح پسر خدای حسی هستی» (یوحنا ۶: ۶۸-۶۹). مدتی بعد، یکی از آن دوازده نفر هم شک داشت. عیسی مسیح مصلوب گشته و دفن شده بود و شهادت قیام او از مرگ شنیده می‌شد اما تو ما شک کرد. آنگاه عیسی بر تو ظاهر شد. او زخم‌های مسیح را لمس نمود، زخم‌هایی که او برای گناهان ما متحمل گشت. تو ما اعتراف کرد، «ای خداوند من و ای خدای من» (یوحنا ۲۰: ۲۸).

بنابراین ما ایمان داریم. بنابراین ما اعتراف می‌کنیم.



خدمات لیگونیر